

## مقدمه

در بررسی فرایند شکل‌گیری و تحوّل تفکر سیاسی شیعه، عصر ایلخانان از اهمّیت خاصی برخوردار است؛ زیرا در این عصر، علی‌رغم تهاجم تخریبی اوّلیّه مغولها و ویرانی سرزمینهای اسلامی و فروپاشی خلافت عباسی، با تشکیل دولت ایلخانان ایران و برقراری نظم سیاسی مجدّد و گرایش برخی از سلاطین ایلخانی به اسلام، دوران شمشیر و آشفستگی به سر آمد و نوبت به فکر و قلم رسید و متفکران مسلمان به‌ویژه علمای شیعه در پی بازنمایی اندیشه‌های اسلامی در زمینه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی برآمدند.

در چنین شرایطی، در سایه فروپاشی اقتدار خلافت عباسیان و تسامح مذهبی دولت ایلخانان، کوشش اندیشمندان شیعی دوچندان گردید و آنها سعی کردند برای تأثیرگذاری بیشتر در فضای فکری به وجود آمده، آثار پُرباری را در قلمرو دانش عقلی و نقلی به‌وجود آورند و مبانی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مذهب شیعه را تقویت نمایند. بنابراین، تلاش آنها به‌نوعی نقطه‌عطفی در تدوین اندیشه سیاسی شیعه به شمار می‌رود؛ زیرا دستاورد این کوشش آنان، تدوین نوعی از تفکر سیاسی بود که زمینه پیوند دین و سیاست را هموار کرد و نظام سیاسی مبتنی بر مذهب شیعه را در دوره‌های بعد، به‌ویژه دوره صفویّه، فراهم ساخت. در واقع بازشناسی تفکر سیاسی این دوره از تاریخ شیعه، از طریق معرفی متفکران شیعه در این دوره و نیز بررسی سنت فکری آنان و زمینه‌های اجتماعی و تاریخی و ره‌آورد تلاش فکری آنان در حوزه فقه و فلسفه سیاسی برای بازکاوی و فهم بخش مهمی از تاریخ تحوّل تفکر سیاسی شیعه، ارزشمند و مفید خواهد بود.

پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش شکل گرفته است که تفکر سیاسی

شیعه در این عصر و جایگاه آن چیست؟

درباره تاریخ مغول و دولت ایلخانان و جنبه‌های مثبت و منفی استیلای آنها در سرزمینهای اسلامی به‌ویژه ایران، پژوهشگران ایرانی و خارجی، پژوهشهای گوناگونی کرده‌اند. در این منابع، به‌طور گذرا به برخی از متفکران شیعه و آراء و افکار آنها نیز اشاره شده است؛ اما این اشاره‌ها به‌هیچ‌وجه بیانگر ماهیت تفکر سیاسی ایشان نیست. البته مطالعه این منابع، می‌تواند ما را در شناخت بسترهای فکری و فرهنگی و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی این دوره یاری نماید. بنابراین، علاوه بر منابع جدید، منابع کهنی مانند تاریخ جهانگشای جوینی، تاریخ و صاف، تاریخ‌گزیده، جامع‌التواریخ، تاریخ الحیاتو، تاریخ حبیب‌السیر، و تاریخ النبی که از جمله مهم‌ترین منابع تاریخ سیاسی - اجتماعی و فکری - فرهنگی این دوره به‌شمار می‌روند، در کتاب حاضر مورد مطالعه و ارجاع قرار گرفته‌اند.

همچنین در زمینه زندگی و شخصیت متفکران شیعه در این دوره، علاوه بر کتابهای رجال، مانند ریاض‌العلماء، اعیان‌الشیعه، روضات‌الجَنّات، لسان‌المیزان، و فلاسفه شیعه، منابع مستقلی درباره زندگی و احوال و آثار متفکران این دوره همچون احوال و آثار خواجه نصیرالدین طوسی، آشنایی با فیلسوفان مسلمان: خواجه نصیرالدین، سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی و... نگارش یافته است که ما در توصیف زندگی و آثار علمای این دوره، از آنها استفاده کرده‌ایم.

درباره اندیشه سیاسی برخی از متفکران این دوره نیز پژوهشهایی صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به کتابهای اندیشه سیاسی خواجه نصیرالدین طوسی، اندیشه سیاسی محقق حلّی و اندیشه سیاسی فخرالمحققین اشاره کرد.

در یک ارزیابی کلی درباره آثار مذکور می‌توان گفت که در دسته اول از این آثار، این دوره از منظر تاریخی بررسی شده و بعضاً به چگونگی رابطه برخی از سیاست‌مداران و عالمان دینی توجه شده است؛ اما ماهیت اندیشه سیاسی شیعیان و متفکران ایشان و تعامل آن با بستر فکری و سیاسی این دوره مورد توجه قرار نگرفته است. آثاری هم که به اندیشه سیاسی برخی از متفکران این دوره توجه داشته‌اند،

نخست اینکه به صورت تک‌نگاری اندیشه سیاسی این دوره را بررسی کرده‌اند و به ماهیت کلی تفکر سیاسی شیعه توجه نداشته‌اند؛ دوم اینکه تعامل تفکر سیاسی ایشان را با بستر فکری و فرهنگی و زمینه‌های سیاسی - اجتماعی حاکم بر شکل‌گیری این تفکر سیاسی، مدّ نظر قرار نداده‌اند. بنابراین، انجام دادن پژوهشی که ماهیت کلی تفکر سیاسی شیعه را با توجه به بستر فکری - فرهنگی آن دوره و در تعامل با زمینه‌های سیاسی - اجتماعی بررسی نماید، ضروری به نظر می‌رسد. نگارنده کوشش کرده است که با توجه به همین ویژگی‌هایی که پیش‌تر یادآور شد، تفکر این دوره از تاریخ شیعه را بررسی کند.

به نظر می‌رسد برای فهم تفکر سیاسی در میان متون کلاسیک سیاسی، نمی‌توان صرفاً خود را درگیر ساختار درونی و زبانی متن نمود؛ زیرا چنان که اسکینر یادآور شده است، زمانی می‌توان بر کار مورخ تفکر سیاسی صحّه گذاشت که توجه خود را صرفاً بر مجموعه منتخبی از متون به اصطلاح کلاسیک متمرکز نکند، بلکه توجهش را بیشتر بر جایگاهی که آن متون در سنتها و چارچوبهای گسترده‌تر فکری اشغال کرده‌اند معطوف بدارد. بنا به گفته او، متنهای کلاسیک دارای نظریه عام، فراتاریخی و فرازمانی نیستند و براساس نیت مؤلف آنها شکل گرفته‌اند؛ مؤلفان نیز آنها را با توجه به زمانه و مشکلات موجود در آن دوره مطرح ساخته‌اند؛ از این رو، اگر بدون مراجعه به بستر فکری - فرهنگی و شرایط سیاسی و اجتماعی ای که مؤلف در آن می‌اندیشیده است، بگوییم هر متنی به اندازه کافی مورد تأمل قرار گیرد، معنا و پیام خود را ارائه می‌کند و فهم نیت و انگیزه‌های مؤلفان لازم نیست، یک خطاست. ما یک متن را بدون دستیابی به نیت و انگیزه مؤلف و جدای از زمینه‌های کلی زبانی و فکری حاکم بر دوره نگارش آن متن و نیز جدای از زمینه‌های اجتماعی و شرایط تاریخی آن دوره نمی‌توانیم تفسیر و معنا کنیم.

اما این بدان معنا نیست که فهم زمینه‌های سیاسی و اجتماعی به تنهایی برای فهم متون کلاسیک کافی باشد؛ زیرا به تعبیر اسکینر هرچند این رویکرد کارآمدتر از اتکای صرف به متن است، ولی ایرادهایی دارد؛ از جمله اینکه این روش، شناخت علل متقدم یک کنش (زمینه‌های اجتماعی) را معادل فهم کنش دانسته است،

درحالی که چنین نیست. به عبارت دیگر، هدفها و نیتهای مؤلف را نمی توان به مثابه علت‌های آن کنش فرض کرد؛ زیرا ممکن است یک مؤلف قصدی را داشته باشد و آن را انجام ندهد یا اینکه آن قصد را اظهار کند، ولی به کنش نینجامد یا اینکه این اظهارات بعد از انجام کنش بوده باشد که دیگر نمی تواند علت آن قرار گیرد، بلکه توصیف ویژگی هدف کنش به شمار می رود. بنابراین، هیچ پیوند منطقی‌ای میان نیتها و کنشها وجود ندارد؛ در نتیجه با درک نیت مؤلف از راه بررسی زمینه‌های نگارش متن، نمی توان گفت که به فهم کامل آن نایل آمده‌ایم.

از این رو، اسکینر روش جدیدی را که مبتنی بر فهم متون در سایه بازبینی آن در چارچوب زبان‌شناختی و بستر فکری - فرهنگی و شرایط سیاسی - اجتماعی است، مطرح می‌سازد. با الهام از این روش او، ما نیز تلاش می‌کنیم برای فهم و تفسیر متون سیاسی متفکران شیعه در دوره ایلخانان، از متن محوری و زمینه محوری صرف پرهیز کنیم و با استفاده از رویکرد او، متون به دست آمده از متفکران این دوره را بر اساس زمینه‌های ایدئولوژیک و زمینه‌های اجتماعی و شرایط تاریخی و سیاسی تأثیرگذار بر شکل‌گیری اندیشه سیاسی آنها مطالعه و بررسی نماییم.

برای دست یافتن به هدفهای پژوهش حاضر، بحثهای خود را در پنج فصل و یک نتیجه‌گیری دنبال کرده‌ایم. در فصل اول، مفاهیم (تفکر سیاسی، فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و عصر ایلخانان) و چهارچوب روشی پژوهش خود را توصیف کرده‌ایم. در فصل دوم، بستر فکری و فرهنگی عصر ایلخانان (آیین و سیاست مذهبی مغول‌ها و جریانهای فکری - مذهبی فعال در عصر ایلخانان) و تبیین سنت فکری فیلسوفان و فقیهان شیعه را در این دوران بررسی کرده‌ایم. در این فصل، سعی بر این بوده است که مبانی و سنت فکری آنها را در دو حوزه دانش فلسفی و فقهی معرفی کنیم.

در فصل سوم، شرایط و زمینه‌های سیاسی - اجتماعی تأثیرگذار بر شکل‌گیری تفکر سیاسی شیعه (تهاجم مغول به ایران و پیامدهای آن: سقوط قلعه‌های اسماعیلیان، فتح بغداد و شکل‌گیری دولت ایلخانان ایران) و تعامل علمای شیعه و کنش سیاسی آنان را در برابر مسائل سیاسی این دوره بررسی کرده‌ایم.

در فصل چهارم، فلسفه سیاسی علمای شیعه را بررسی کرده‌ایم؛ بدین توضیح که سیر فلسفه سیاسی و زندگی، شخصیت و معرفی آثار فلسفی و متن تفکر سیاسی آنان (هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، سیاست مدن، اجتماع مدنی، ریاست اجتماع مدنی، سیاست‌گذاری و وظایف رئیس‌مدینه) تبیین یافته است.

در فصل پنجم، اندیشه سیاسی فقیهان شیعه را با توجه به سیر فقه سیاسی شیعه و زندگی، شخصیت و معرفی آثار فقهی و تبیین آرای این فقیهان درباره سیاست، ضرورت ریاست و حکومت، انواع ریاست و حکومت (ریاست و حکومت عدل، ریاست و حکومت در عصر غیبت و نظم سلطانی) بررسی کرده‌ایم. بخش پایانی پژوهش خود را نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پیرامون بحث‌های بررسی شده اختصاص داده‌ایم.

بی‌تردید، اجرای این پژوهش و غنای علمی آن، مدیون حمایتها و پشتیبانی فکری و علمی اساتید دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی دکتر منصور میراحمدی، دکتر محمدرضا تاجیک و دکتر محمدباقر حشمت‌زاده و رئیس پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی حجّت‌الاسلام و المسلمین دکتر منصور میراحمدی، مدیر گروه فقه سیاسی حجّت‌الاسلام و المسلمین سید سجّاد ایزدهی، ناظر علمی اثر، حجّت‌الاسلام و المسلمین روح‌الله شریعتی، ارزیابان محترم آقایان دکتر محمدعلی حسینی‌زاده و دکتر محمد پزشکی و رجبعلی اسفندیار، مدیر پژوهش آقای محمود فلاح و کارشناس گروه آقای مجید اکبریان گرمجی است؛ از این‌رو، شایسته است از زحمتهای و تلاشهای آنان قدردانی نمایم.

همچنین بر خود فرض می‌دانم از ریاست پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی حجّت‌الاسلام و المسلمین دکتر نجف لک‌زایی، معاون پژوهشی پژوهشگاه حجّت‌الاسلام و المسلمین محمدهادی یعقوب‌نژاد و نیز از مسئولان سازمان «سمت» که در تهیه و نشر این اثر مرا یاری نموده‌اند تشکر کنم.

